

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

دیوان اشعار

غلام رضا حسینی روزبهانی



سرشناسه: حسینی روز بهانی اشترینانی، غلامرضا ۱۳۱۰ ش
عنوان و نام پدید آورنده: دیوان اشعار - غلامرضا حسینی روز بهانی اشترینانی،
مقدمه و تحقیق و تعلیقات میرزا علی سلیمانی بروجردی
مشخصات نشر: قم، رسالت یعقوبی، ۱۳۹۶،
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص
فهرست: مجموعه کتابهای احیاء تراث علماء لرستان ۳.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۷۷-۷۴-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع: شاعران ایرانی - لرستان - قرن ۱۴
شناسه افزوده: سلیمانی بروجردی، میرزا علی، ۱۳۵۹، مقدمه و پاورقی نویسی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ر ۹۳۲ س / PLR ۸۳۴۱
رده بندی دیوبی: فا ۶۲۸/۱ شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۲۷۱۶۷



دیوان اشعار

اثر: غلامرضا حسینی روز بهانی اشترینانی ناشر: رسالت یعقوبی
لیتو گرافی: اهل بیت حروفچینی سجاد: ۰۹۱۲۱۵۱۰۶۲۰
چاپ: زلال کوثر صحافی: نوین نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۵۰۰ جلد قطع: وزیری ۲۰۸ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۷۷-۷۴-۰

بلوار معلم. مجتمع ناشران طبقه منفی یک واحد ۱۴ انتشارات رسالت یعقوبی
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۱۱۹۶ فکس: ۳۷۷۳۹۲۶۴ تلفن: ۳۷۷۴۲۰۹۲

کلیه حقوق محفوظ و در انحصار مولف است.

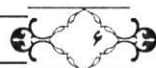
فهرست مطالب

مقدمه شاعر

۱۱	ارزش نظم و نثر فارسی
۱۴	علم عروض (مطالب علم عروض و تعریف آن)
۱۵	تدوین علم عروض
۱۵	بیت و مصرع
۱۵	اجزاء چهارگانه بیت
۱۵	اجزاء و اصول اوزان
۱۶	اسامی «بحر» ها
۱۷	مختصراً نمونه بعضی از «بحر» ها

مقدمه محقق

۱۹	توالد
۱۹	تحصیلات حوزوی
۲۰	هم مباحثه های حوزوی
۲۱	تحصیلات دانشگاهی
۲۲	آثار و تألیفات
۲۲	ازدواج و فرزندان
۲۳	معرفی کتاب حاضر



فصل اوّل

مدح و مصیبت اهل بیت علیهم السلام

- توحید باری تعالی ۲۷
- میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳۵
- در بعثت رسول خدا و سرور موجودات ۳۹
- تهنیت بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۹
- تضمین غزل «بلغ العلی» از سعدی رحمته الله در عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۶
- برائت استهلال - تهنیت میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۹
- برائت استهلال - غدیریه مولا علی علیه السلام ۵۳
- مدح شاه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۶
- در شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۹
- براعت استحلال - بهاریه در میلاد امّاینها ۶۲
- در رثای حضرت فاطمه علیها السلام ۶۷
- میلاد امام مجتبی علیه السلام ۷۰
- میلاد امام حسین علیه السلام ۷۲
- ورود امام حسین علیه السلام به کربلا ۷۵
- حماسه یاران امام حسین علیه السلام ۷۶
- مصیبت حضرت عباس علیه السلام ۸۰
- مصیبت علی اکبر علیه السلام ۸۲
- در حماسه حضرت زینب علیها السلام ۸۳
- مدح امام باقر علیه السلام ۸۹
- مدح امام صادق علیه السلام ۹۲
- در مدح علی بن موسی الرضا علیه السلام ۹۵
- مدح حضرت رضا علیه السلام ۹۵
- میلاد امام زمان علیه السلام ۹۹

فصل دوم

غزلیات و قصائد و دیگر اشعار

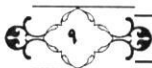
- ۱۰۵ ما از پی اباذر و عمار می‌رویم.
- ۱۰۷ صفای ستاره بود
- ۱۰۸ به یاد خدا
- ۱۰۹ خاطره عشق
- ۱۱۰ دو برادر
- ۱۱۱ دو همسایه
- ۱۱۲ سخت‌گیری بر جهان
- ۱۱۳ فرزانه زاد
- ۱۱۴ ایوان مدائن
- ۱۱۷ لذت بخش نیست
- ۱۲۰ فریاد از این دل
- ۱۲۲ بدآوری دنیا
- ۱۲۴ وصف نعم دنیا (زیبایی دنیا)
- ۱۲۶ با کاروان حله (کاروان فلسفه)
- ۱۲۹ غم بی غمان را مخور
- ۱۳۱ لست ادری
- ۱۳۳ تا توانی مجوی راه خطا
- ۱۳۴ سخنی با نوه (نیوشا)
- ۱۳۷ در محفل جوانان
- ۱۳۹ ثمره ورزش
- ۱۴۰ مرد بی‌کار
- ۱۴۱ باید کار کرد
- ۱۴۳ دگرگونی محیط اجتماعی

۱۴۵	تضمینی از اشعار فردوسی رحمۃ اللہ علیہ
۱۴۶	سرمای طاقت فرسای زمستان ۱۳۸۶ ش
۱۴۸	نصیحتی از ابوسعید ابوالخیر
۱۴۹	بد زبانی
۱۵۰	قطعه
۱۵۱	قطعه

فصل سوم

مدحیات علماء و انقلاب دیگر افراد

۱۵۵	حماسه انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ
۱۶۰	شهدای انقلاب اسلامی
۱۶۳	کانون شهدای انقلاب اسلامی
۱۶۵	در سوگ امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ
۱۶۷	مدح حُجَر بن عدی؛ از اصحاب امام علی علیه السلام
۱۶۹	شکایت شیخ جمال الدین بروجردی «ره»
۱۷۱	وفات آیت الله صاحب زمانی بروجردی رحمۃ اللہ علیہ
۱۷۳	مقام معلم
۱۷۵	معلمان و دبیران بازنشسته
۱۷۸	سوگ مادرم
۱۸۰	مصیبت ناگهانی فرزند
۱۸۲	سوگ پسر عمو
۱۸۴	در سوگ دوست
۱۸۵	مدح دکتر رضوی بروجردی رحمۃ اللہ علیہ
۱۸۷	تشکر از دکتر سیامانی متخصص چشم در همدان
۱۸۸	یکی از دوستان دبیر اصفهانی
۱۹۱	تقدیم به آقای علی مفید



عَلَّت تکرارها ۱۹۳

فصل چهارم
دو بیتی و تک بیتی‌ها
دو بیتی‌ها

شهر بروجرд	۱۹۷
تمام عمر	۱۹۷
پاداش	۱۹۸
ای عجب ناکسان کسان می بینم	۱۹۸
نمی دانم	۱۹۸
راهرو	۱۹۸
سخن هر کس	۱۹۸
دو بیتی	۱۹۸
ماهی	۱۹۹
جوانی (بخاطر زیبایی مضمون آورده شده)	۱۹۹
در مدح سعدی؛	۱۹۹

تک بیتی - مفردات

فهرست منابع مقدمه و پاورقی‌ها	۲۰۷
-------------------------------	-----

مقدمه شاعر

بسم الله الرحمن الرحيم

ارزش نظم و نثر فارسی

شعر و نثر دو مقوله است که چون به گفتار آیند مطلب را چنان ادا کنند که جای ابهامی در آن یافت نشود چنانکه سعدی رحمه الله در گلستان آورده:

(هر که را خانه نشین است، بازی نه این است).

یا در مقدمه گلستان در توحید گوید:

(منت خدای عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید

نعمت...) هر نفسی که فرود می‌رود ممد حیات و چون بر می‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود.

و یا در جای دیگر گفته است:

(ابلهی دیدم سمین، خلعتی ثمین در بر، مرکبی تازی در زیر و قصبی مصری در

بر، کسی گفت: سعدی چگونه می‌بینی مر این دیبای معلم بر این حیوان لایعلم؟

یعنی: درست مانند خری بی صاحب در میدان یا جسد گوساله که صدای گاو کند.

قد شابیه بالوری حمائر عجلأ جسدأ له حواڑ

گفتم: خطی زشت است که به آب زر نوشته است).

و یا شعر او که گوید:

(بر حدیث من و حسن تو نیافزاید کس حد همین است، سخندانی و زیبایی را)

و دیگر شعر او:

(ندانم کدامین صفت گویمت که بالاتری ز آنچه من گویمت)

و یا بیان فردوسی طوسی رحمه الله که گوید:

(جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه ای هرچه هستی تویی)

و دیگر شعرش که گوید:

(زنان را بود بس همین یک هنر نشینند و آرند شیران نر)

که مقام والای زن را به حد کمال ادا کرده است.

اگر کسی بخواهد عظمت بزرگترین حماسه سرای ایران را بداند باید وصیت نامه اردشیر بابکان را بخواند، تا بر او معلوم شود که دلاور سخن تا چه مقام بوده است، ولی حیف است که سخن از سعدی رحمه الله کم آوردیم، ولی من پایه آن را ندارم که گفتار گهربار او را بیان کنم و چاره نیست، جز آنکه خود گفتار او را بیاورم، زیرا بیان او سهل و ممتنع است، ما را توان و بلاغت او نیست او که در ابتدای بوستان می گوید:

(به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین)

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش و پوزش پذیر

سر پادشاهان گردون فراز به درگاه او بر زمین نیار

ادیم زمین، سفره عام اوست بر این خان یغما چه دشمن چه دوست

پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس

چنان پهن خوان گرد گسترده که سیمرغ در قاف روزی خورد

یکی را بر سر نهد تاج و تخت یکی را ز خاک اندر آرد، ز تخت

گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی به آتش برد ز آب نیل

دهد نطفه را صورتی چون پری که کرده است بر آب صورتگری

به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن از نیست، هست

بشر ماورای جلالت نیافت بشر منتهای کمالش نیافت

نه بر اوج ذاتش پرد مرغ و هم نه بر ذیل وصفش رسد دست فهم

در این ورطه کشتی فرو شد هزار که پیدا نشد تخته ای بر کنار

توان بر بلاغت به «سبحان» رسید نه بر کنه بی چون «سبحان» رسید خواننده محترم توجه داریم که سخن توحید را تا آنجا بیان داشته که تاکنون هیچ گوینده‌ای باین پایه نرسیده گرچه سخن از سعدی بمیان آمد ولی انصافاً فردوسی را در ادب فارسی باید فصل الخطاب قرار داد یعنی او را امّ الخطبا خواند زیرا اگر فردوسی را برداریم چه داریم؟ ولی چه کنیم با سعدی یعنی با کسی روبرو هستیم که خداوند رزم و بزم دست و نظم و نشر است و تاریخ ادب ایران تاکنون چنین خطیب نام آوری را بخود ندیده لذا بیان حقیر از آوردن برهان بر اصالت بیان اعجوبه ادب عاجز است چاره نداریم که عین مطالب و گفته‌های او را در میان بیان بیاوریم و میگوییم تا آنجا که سخن از توحید و وحدانیت خدا میکند سخن را به اوج می‌رساند. که گوید:

دهد نطفه صورتی چون پری که کرده است بر آب صورت گری
سخن را با لطافت نظافت ادا می‌کند و پس از آن وقتی به میدان عرفان میرسد با وجودیکه در نفس عرفان تعریفی نداشته و نداریم ولی به نحوی وارد میدان می‌شود که خواننده به سکوت وادار می‌کند که مطلب به صورت تلألؤ روشن می‌کند. چنانکه گوید:

اگر سالکی محرم راز گشت	ببندد به وی در بازگشت
کسی را در این بزم ساغر دهند	که داروی بی‌هوشیش در دهند
بترسد خردمند از این بحر خون	گزو کس نبردست کشتی برون
اگر طالبی کین سفر طی کنی	نخست اسب باز آمدن طی کنی

لذا خردمندان دانند که چنین سخن گفتن کار هر کسی نیست.

به هر حال می‌بینیم که مطلب چنان زیبا و روان و سلیس آورده که خواننده را در عین آنکه سهل است، ولی همه کس را بر آن توانا نیست که چنین سخن آورد و نشان دهد، حتی آنکه دو کلمه «سبحان» و «سبحان» را ردیف کرده است و آنجا که در عرفان و روان‌شناسی، سخن گوید به نحوی که راز ناگفته و ناپیدا را برمی‌دارد که انسان را وادار به سکوت کرده و متحیر می‌نماید، با آنکه عرفان موضوعی تجربی و

فردی و درونی است و تنها خود آن را داند و قادر به بیان آن نیست، آنچنان که در این میدان راه بازگشت برای او امکان ندارد و باز به صورت تکرار باید گفت:

که حقیقت پیرامون اشعار سعدی رحمه الله همین است و باید گفت:

(سخن به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست)

از حسین هیکل روزنامه‌نگار و مورخ مصری پرسیدند که چطور شد که زبان مادری و اصلی خودتان را از دست دادید؟ در جواب گفت:

(ما مردی مانند فردوسی رحمه الله نداشتیم).

چنانکه خود فردوسی رحمه الله گفته است:

(بناهای آباد گردد خراب ز باران و از گردش آفتاب

بی افکندم از نظم کباخی بلند که از باد و باران نیاید گزند

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

عجم را سخن تخم کردم بهشت از این پیش تخم سخن کس نکشت)

آری این است سخن پارسی و سخن سرایان پارسی زبان و این وجد و سرورم تا آنجا آورد که بگویم:

(بیرون ز گفت تو نتوان یافت گفته‌ای سعدی رحمه الله سپاس دار سخن شد به نام تو

ای پایه سخن، سزدت هرچه گفته‌امز «حَبْدًا» چگونه بریزم به پای تو)

به هر حال ما برای دو مقوله نظم و نثر فارسی بدین سان سخن آورده‌ایم و می‌گوییم که: «در خانه اگر کس است یک حرف بس است».

علم عروض (مطالب علم عروض و تعریف آن)

میزان سخن منظوم یا فنی درست که از وزن اشعار بحث می‌کند و از این جهت

آن را عروض نامیده‌اند که اشعار را به آن عرضه کنند تا سالم از غیر سالم شناخته شود.

اصل موزون بودن شعر را طبع موزون و طبع سلیم شاعر درمی‌یابد، همان طور

که در الحان موسیقی و آواز دستگاه‌های مختلف دارند، در اوزان اشعار نیز

دستگاه‌های مختلف داریم که هر کدام از این دستگاه‌ها را «بحر» می‌گویند: مثلاً به نام بحر «تقارب» و بحر «رَجَز» و...

تدوین علم عروض

معروف است که علم عروض را اول‌بار خلیل بن احمد عروضی «م ۱۷۰ ق» از روی علم موسیقی استخراج و آن را در پنج دایره و شامل پانزده «بحر» تدوین کرد و پس از ابوالحسن بلخی «م ۲۱۵ ق» یک «بحر» اضافه نمود و بعد از شعرای دیگر سه وزن دیگر اضافه نموده که شمار «بحر»ها به نوزده «بحر» رسید. اما تألیف این فن در فارسی از قرن چهارم آغاز شده و در اواخر قرن چارم و اوایل قرن پنجم ابوالحسن سمرقندی و سمرقندی و... است که «بحر»های تازه‌ای اختراع کردند.

بیت و مصرع

حداقل سخن منظوم یک بیت باشد که مرکب از دو مصرع است که در شماره حرکت و سکون‌ها برابر باشند، پس مصرع یک نیمه از بیت است.

اجزاء چهارگانه بیت

جزء اول از مصرع اول را «صدر» و جزء آخر آن را «عروض» و جزء اول از مصرع دوم را «ابتداء» و جزء آخر آن را - که آخرین اجزاء باشد - «ضرب و عجز» و اجزای میان آنها را «حشو» گویند. مثلاً در این بیت:

خدایا تو دانای راز نهانی منزّه ز وهمی برون از گمانی

که کلمه «خدایا» صدر است و کلمه «نهانی» عروض است و کلمه «منزّه» ابتداء است و کلمه «گمانی» ضرب و عجز است و کلمات بین آنها «حشو» است.

اجزاء و اصول اوزان

بیش از این گفته شده که: بنای عروضی وزن‌های صرفی بر پایه سه حرف: «فاء»

و «عین» و «لام» است که میزان سخن اشعار است.

برای اینکه شعر کاملاً شناخته شود باید آن را قطعه قطعه و پاره پاره کرد، یعنی سکون در مقابل سکون و حرکت در مقابل حرکت باشد، برای نمونه گفته بالا تقطیع به شماره سکون و حرکت می‌کنیم.

برای تقطیع اشعار کافی است که شماره حرکت و سکون‌ها را حساب و علامتگذاری نماییم، تا مشخص شود؛ لذا می‌آوریم. وضیان رسم است که ساکن را به علامت الف کوچک و علامت متحرک را به صورت «ها» مدّور یا دایره کوچک ی نقطه نشان می‌دهند.

خداوند بالا و پستی تویی ندانم چه‌ای هرچه هستی تویی
به این طریق:

خداوند	بالا	و پستی	تویی
۱. ۱. ۰. ۰.	۱. ۱. ۰. ۰.	۱. ۱. ۰. ۰.	۱. ۰. ۰. ۰.
فعلون	فعلون	فعلون	فَعْل
ندانم	چه‌ای هر	چه هستی	تویی
۱. ۱. ۰. ۰.	۱. ۱. ۰. ۰.	۱. ۱. ۰. ۰.	۱. ۰. ۰. ۰.
فعلون	فعلون	فعلون	فَعْل

اسامی «بحر»ها

پیش از این اشاره کردیم که اوزان از تکرار یا ترکیب اجزاء با یکدیگر تکمیل می‌یابد و بدین ترتیب نوزده وزن یا بحر مختلف حاصل می‌شود که آنها را بحور اصلی می‌گویند به نام‌هایی که در این قطعه شعر مندرج است:

لَوْبِلْ و مدید و بسیط است و دگر رَجَزْ با هَجَزْ آمدی مرد عاقل
سَرِیع و رَمَلْ، وافر است و مضارع تقارب، تدارک^(۱) دگر بحر کامل
دگر مُقْتَضَبْ مُنْسَرَخْ دان و مُجْتَثْ خَفِیْفْ و جَدِیدْ و قَرِیبْ و مَتَاکِلْ

۱ - منظور از «تقارب و تدارک» همان «مقارب و متدارک» است.

مختصراً نمونه بعضی از «بحر»ها

در اینجا بعضی از «بحر»ها را برای خواننده عزیز می آوریم:

از جمله بحر «هَزَج» است به معنی «سرود و ترانه و آواز با ترنم» است و به اصطلاح بحری است که از تکرار «مفاعیلن» تشکیل شده است، بحر «هَزَج» مانند شعر ثمن سالم «هشت کلمه» است.

مکُن در جسم و جان منزل، که این دونست و آن والا
قدم زین هر دو بیرون نه، نه اینجا باش نه آنجا
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

که این بحر قسمین سالم هشت کلمه ای است و از همین وزن مسدس مقصور داریم که شش کلمه ای است.

قسم دوم از بحر عروضی بحر «رَمَل» است که از تکرار «فاعلاتن» حاصل می شود و یکی «رَمَل مثنی سالم» که هشت کلمه در یک بیت است.

عاشق بی دل کجا با خلق عالم کار دارد

بگذرد از هر دو عالم هر که عشق یار دارد
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

صورت دیگر بحر «رَمَل» بحر «مسدس مقصور» است مانند شعر مولوی که:

بشنو تنی چون خکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

و دیگر بحر «مقارب» قسم سوم از تکرار «فعولن» حاصل می شود، این بحر هم دارای مثنی سالم هشت کلمه ای و مسدس شش کلمه محذوف و مقصور است و تقطیع آن هشت بار است مانند:

جهانا چه بد عهد و چه بد خو جهانی چو آشفته بازار بزارگانی
فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن

مانند شعر فردوسی «ره» که می‌فرماید:

به نام خداوند جان و خرد که من برتر اندیشه برنگزرد
 فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن
 به هر حال مطالبی که آورده شد نمونه‌ای از علم عروض است برای تذکر، ولی
 باید توجه کرد که علم عروض را باید در خدمت استادی فن عروض یاد گرفت به قول
 شاعر:

هیچ کس در پیش خود چیزی نشد هیچ آه‌ن خنجر تیزی نشد
 هیچ قنادی نشد استاد کار تا که شاگرد شکر ریزی نشد
 در انتها این مختصر مطالبی که پیرامون علم عروض با عجله نگاشتم کمال تقدیر
 و تشکر خود را از استاد محقق میرزا علی سلیمانی بروجردی که پاورقی‌ها نتیجه
 تلاش ایشان می‌باشد را دارم. ایشان متولد ۱۳۵۹ شمسی بوده و پس از تحصیلات
 دوره متوسطه تحصیلات مقدماتی خوژی را در مشهد مقدس به اتمام رسانید و
 پس از آن در حوزه علمیه قم تحصیلات خود را تا سطح ۴ حوزه ادامه دادند. از آثار
 ایشان ۳۶ جلد کتاب و مقالات متعدد در موضوعات فقه و تفسیر و کلام و اصول به
 چاپ رسیده است. جای دارد که از زحمات بی‌شائبه و تلاشهای بیدریغ ایشان
 تشکر و قدردانی شود.

۱- شعر را باید شاعران بخوانند.

۲- کسروی میگوید: شعر سخن است و سخت از بهر معنا است. منتهی (منتهای)

خرد از بیهودگویی بیزار:

بروجرد ۲۰ محرم الحرام ۱۴۳۹ هـ ق

غلام رضا حسینی روزبهانی

توالد^(۱)

آقای غلامرضا روزبهانی «دام توفیقاته» متخلص به «حسینی» از اهالی شهر اشترینان در استان لرستان که در ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۱۰ هـ ش به دنیا آمدند. اکنون او سالهای متمادی است دوران بازنشستگی را می‌گذراند و از شاعران معاصر است و در شهرستان بروجرد سکنی دارد.

تحصیلات حوزوی

وی تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش سپری کرد و پس از اندک مدتی به کشاورزی مشغول شد.

او سپس برای آشنایی با تعلیم اسلامی در سال ۱۳۳۲ هـ ش به مدرسه علمیه نوربخش (امام صادق علیه السلام) بروجرد وارد و دروس مقدمات حوزوی را طی ۵ سال نزد علمای آن دیار منجمله بزرگان ذیل فراگرفت:

۱- آیت الله شیخ علی جواهری نجفی بروجردی رحمته الله (ادبیات و منطق و فقه)؛

۲- حجت الاسلام والمسلمین منقبتی بروجردی رحمته الله (لمعه)؛

۱- کلمه توالد درست می‌باشد نه تولد، چون انسان وقتی از پدر و مادر به دنیا می‌آید تلفظ درست آن است که بگوییم «متوالد» شد و اگر بدون پدر و مادر مانند حضرت آدم علیه السلام به دنیا آمد آن وقت لفظ «تولد» درست می‌باشد، (مراجعه شود به تقریرات درس شرح رساله «رتق و فشق معدل النهار و منطقة البروج» حضرت علامه ذوالفقون آیت الله العظمی حسن زاده آملی «مد ظله» توسط استاد محترم حاج آقا داوود صمدی آملی «مد ظله» که توسط این جانب تقریر و تحریر شده و آماده چاپ می‌باشد).

۳ - حجت الاسلام والمسلمین سید علی اعمی بروجردی رحمته الله (ادبیات) نحو و صرف؛

۴ - حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا فاضل بروجردی رحمته الله (اصول) و نحو؛
البته ایشان بعد از تحصیلات دانشگاهی و همراه با تدریس در دبیرستانهای بروجرد، تحصیلات حوزوی خود را در علوم سطح حوزوی ادامه داد و سالهای متوالی از بزرگان آن دیار منجمله بزرگان ذیل استفاده نمود:
۵ - آیت الله شیخ غلام رضا مولانا بروجردی رحمته الله؛
ایشان مدت دوازده سال در در فقه و اصول و فلسفه و عقائد، از محضر این عالم ربانی استفاده نمودند.

۶ - آیت الله شیخ رحمت الله صاحب الزمانی بروجردی رحمته الله؛
او پیرامون این استاد خود می فرماید:
(آقای صاحب الزمانی رحمته الله جامع الاطراف بود، و بنده در کنار کارهای فرهنگی و تدریس مدت ۲۸ سال از محضر ایشان استفاده کردم.
او در تمام رشته ها صاحب سخن بود).
۷ - آیت الله شیخ محمد تقی مطهری بروجردی رحمته الله؛
او در تفسیر و رسائل و مکاسب از محضر این عالم فرزانه استفاده نمودند.
۸ - آیت الله حاج آقا محمد (کوچک) بروجردی رحمته الله.
او از دروس تفسیر و خارج فقه این عالم بزرگوار استفاده نموده است.

هم مباحثه های حوزوی

غلام رضا روزبهانی پنج سال تحصیلات ابتدایی خود در حوزه را با فضیلتی ذیل در مباحث مختلف بحث نمودند:

۱ - حجت الاسلام والمسلمین سید حمید حسینی اشترینانی «دام توفیقاته» که اکنون حدود سی سال امام جمعه موقت دورود می باشد.
۲ - حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی شریفی کهکدانی رحمته الله؛

- ۳ - حجت الاسلام والمسلمین شیخ جواد شریفی کهکدانی رحمته الله؛
 ۴ - حجت الاسلام والمسلمین شیخ غلامرضا حسنی اشترینانی رحمته الله.
 استاد حسینی روزبهانی با اینکه تحصیلات سطح خود را به پایان رساندند ولیکن به علت معلمی و تدریس در دبیرستانها هیچ گاه ملبس به لباس نشدند.

تحصیلات دانشگاهی

استاد حسینی روزبهانی در سال ۱۳۳۸ هـ.ش به تحصیلات علوم جدید اشتغال ورزید و با اخذ دوره اول متوسطه به دانش سرای کشاورزی بروجرد وارد شد و پس از دو سال تحصیل به شغل آموزگاری مشغول، سپس با گرفتن دیپلم ادبی در کنکور دانشگاه تهران شرکت جست و در رشته ادبی دانشکده علوم تربیتی پذیرفته شد. از اساتید ایشان در دانشگاه می توان به بزرگان ذیل اشاره نمود:

- ۱ - دکتر نیر سیما؛
- ۲ - دکتر سید جعفر حسینی شهیدی بروجردی رحمته الله؛
- ۳ - استاد جلال همایی رحمته الله؛
- ۴ - دکتر ذبیح الله صفار رحمته الله؛
- ۵ - استاد عبدالرحمن فرامرزی رحمته الله؛
- ۶ - دکتر عباس آریانپور «ره»؛
- ۷ - دکتر امیرحسین آریان پور «ره»؛
- ۸ - دکتر شکوهی «ره»؛

استاد حسینی روزبهانی پیرامون این استاد خود می فرماید:
 ایشان در سال ۱۳۵۰ هـ.ش از دانشگاه تهران فارغ التحصیل و سی سال به عنوان دبیری در دبیرستانهای تهران و بروجرد انجام وظیفه نموده و پس از بازنشستگی در بروجرد اقامت نمودند و اکنون در بروجرد زندگی می کند.

او ۱۷ سال در دبیرستانهای تهران مانند: دبیرستان بازار، دبیرستان نارمک، دبیرستان مروی، دبیرستان دانشمند... و ۱۳ سال در دبیرستانهای بروجرد مانند:

دبیرستان امام خمینی علیه السلام، دبیرستان ولایت فقیه و... تدریس و خدمت نمودند.
باید گفت که در مدتی که در دبیرستان نارمک (دانشمند) هر سال شاگردانی با
معدل ۲۰ در تمام دروس موفق بودند و این خود جای تشکر از شاگردان است.

آثار و تألیفات

ایشان دارای آثار و تألیفاتی از جمله کتابهای ذیل می باشد:

۱ - دیوان اشعار؛

دیوان اشعار ایشان همین کتابی است که اکنون در دست خواننده گرامی
می باشد و در مقدمه به معرفی آن پرداختیم.

۲ - العقل و ما العقل و ما ملاک العقل؛

۳ - الاخلاق و بیان آن.

نسخه این دو کتاب ایشان نیز در دست بنده است و مشغول کارهای تحقیقاتی
آن می باشم و ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید.

ازدواج و فرزندان

ایشان در بروجرد با دختر استاد خود در حوزه علمیه بروجرد یعنی مرحوم آیت
الله شیخ علی جواهری نجفی بروجردی علیه السلام ازدواج نمودند و ثمره آن اولاد ذیل
می باشد.

۱ - خانم سپیده حسینی روزبهانی (متوالد ۱۳۵۴ هـ ش) فوق لیسانس شیمی و
شاگرد اول دانشگاه صنعتی اصفهان بودند؛

۲ - خانم سعیده حسینی روزبهانی (متوالد ۱۳۵۵ هـ ش) فوق لیسانس و شاگرد
اول رشته زمین شناسی دانشگاه شیراز، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم؛

۳ - آقای علی حسینی روزبهانی (متوالد ۱۳۵۷ هـ ش) لیسانس مدیریت دولتی.

معرفی کتاب حاضر

این کتاب حاضر شامل چهار فصل است که این فصل بندی و تقسیم از حقیر می باشد و شاعر گرانقدر فقط اشعار را در اختیار بنده قرار دادند.

فصل اول: اشعار مدح و مصیبت و فضائل اهل بیت علیهم السلام است.

فصل دوم: بقیه اشعار ایشان از غزل و قصیده و مثنوی و... می باشد.

فصل سوم: اشعاری از شاعر است که در مدح انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمته الله و دیگر علماء و مصیبت های شخصی که بر شاعر وارد شده است، می باشد و همچنین شامل مدحیاتی که شاعر پیرامون بعضی از افراد سروده اند، می باشد.

فصل چهارم: شامل دوبیتی ها و تک بیتی های شاعر گرانقدر می باشد.

آنچه در پاورقی این کتاب به عنوان توضیح اشعار ذکر شده است از حقیر می باشد که سعی شده معنی کلمات و همچنین اشارات ایشان به آیات و روایات در حدّ توان مشخص و توضیح داده شود.

اگر در همه اشعار این دیوان دقت شود، ذوق شاعر گرانقدر کاملاً مشخص است و در بعضی از اشعار ابحاث علمی که طرح شده سطح علمی شاعر و تحصیلات او در دروس حوزوی و دانشگاهی کاملاً مشخص می باشد.

اشعاری که پیرامون مسائل اجتماعی سروده است، ارتباط او را با اجتماع و رعایت مسایل اخلاقی کاملاً مشخص میکند.